

# زنان در متن و حاشیه

● در جشنواره چهاردهم زنان فیلمساز حضور جدی نداشتند. اما تنی چند از مردان فیلمساز، به ویژه فیلمسازان جنگ، تصویری مثبت و درخور توجه از زنان ترسیم کردند.

آمار حاکی از این است که در سال‌های پس از انقلاب سینمای ایران صاحب حدود سیصد کارگردان شده که هر کدام حداقل یک فیلم بلند سینمایی ساخته‌اند. از این تعداد، هشت نفر آنها زن هستند؛ یعنی حدود دو و نیم درصد. اگر متوسط تولید سالانه را شصت فیلم در نظر بگیریم، حدود یک و نیم فیلم سهم زنان فیلمساز می‌شود. در چهاردهمین جشنواره فجر هم که حدود شصت فیلم جدید ایرانی به نمایش درآمد، فقط یک فیلمساز زن اثری عرضه کرده بود؛ یعنی کم‌ویش در حدود همان میزانی که به حکم آمار سهم زنان است. اما یکی از نکاتی که مدام در ارزیابی‌ها درباره این دوره جشنواره عنوان می‌شد، کاهش حضور زنان فیلمساز بود.

یک دلیل عسده - فارغ از هرگونه تعصب و جانبداری بی‌پایه - جدی بودن فعالیت زنان فیلمساز در طی این سال‌ها و بحث‌انگیز بودن آثار آنها بوده است. دلیل دوم، دم دست بودن و تازگی خاطره حضور به‌مثابه‌انگیز و موفق زنان فیلمساز در جشنواره سیزدهم - با سه فیلم روز سوری (بی رخشان بنی‌اعتماد)، کاکادو (تهمینه میلانی) و درد مشترک (یاسمین ملک‌نصر) - است. در واقع، فارغ از ارقام و آمار - که می‌بینیم اتفاق دور از انتظاری نبوده - حضور بیشتر زنان فیلمساز در جشنواره یک معنا و نشانه اجتماعی است؛ به همین جهت همه در این زمینه دقیق می‌شوند و از خود و دیگران می‌پرسند.

می‌توانیم غایب‌های امسال را مرور کنیم: رخشان بنی‌اعتماد، که سال گذشته با فیلم موفقش چند سفر جشنواره‌ای رفت، طبق معمول با آهنگ هر دو یا سه سال یک فیلم پیش می‌رود. تهمینه میلانی، فیلمساز سخت‌کوش و پرجوش و خروش این جمع کم‌شمار، سال خوبی را، متأسفانه، پشت سر گذاشت. فیلمش، کاکادو، پس از شکست تجاری و غیرتجاری در نمایش تهران، توقیف شد و به شهرستان‌ها نرفت. تلاش او برای رفع توقیف هم تا به حال به جایی نرسیده. متأسفانه، فیلمنامه‌هایش تصویب نشد و به اینها مشکل بیماری و بستری شدن چند ماهه‌اش را هم که اضافه کنیم، در مجموع می‌توان گفت سال ۷۲ سال ناکامی و بدبختی برای این فیلمساز خوب و پرتوان بود که روحیه انسرده‌ای برای او ساخت. پوران درخشنده، پس از آن‌که در جشنواره هشتم

(۱۳۶۸) دو فیلم هم‌زمان عبور از غبار و زمانه از دست رفته را داشت، ناگهان دچار رکود شد. چندسال و تنش را بر سر بولین دو ماه گذاشت که به رغم چندماه اقامت در آلمان به همراه اکیپ و صرف هزینه‌هایی این طرح به سرانجام نرسید و هنوز از تلاش‌های او برای ساخت این فیلم در آمریکا خبرهای امیدوارکننده‌ای نرسیده است. یکی - دو سال را هم صرف سریال دبیرستان خضرا کرد که ساخت آن هم به دلایلی اعلام نشده، به کارگردان دیگری سپرده شد.

ناکامی‌های پی‌درپی و طولانی او یکی از سوال‌های بی‌پاسخ این سال‌هاست. فریال بهزاد هم با مرد نامرئی‌اش کم آسیب ندید. تلاش‌های چند ساله او برای رفع مشکل نمایش این فیلم باعث شده که هنوز نتواند فیلم بعدی (چهارمین فیلمش) را بسازد. مرد نامرئی سرانجام در نوروز امسال به نمایش عمومی درآمد و به‌رغم این‌که - مانند بقیه فیلم‌های نوروزی - فروش خوبی نداشت، امید است طلسم ادامه فعالیت بهزاد را بشکند. مرضیه برومند با این‌که فیلم سینمایی ساخت اما با قصه‌های تازه تا سال موفقی را در تلویزیون گذراند و به‌نظر می‌رسد که تلویزیون قالب مناسب‌تری برای فعالیت‌های او است. یاسمین ملک‌نصر فیلم بحث‌انگیز و نسبتاً جنجالی‌اش - درد مشترک - را به چند جشنواره خارجی برد اما شکست تجاری فیلم در داخل، با معیارهای رایج سینمای حرفه‌ای، کار او را برای فیلم بعدی‌اش دشوارتر می‌کند. مگر این‌که راه‌هایی خارج از این جریان رایج برای ادامه فعالیت‌هایش پیدا کند؛ کاری که برای ساختن درد مشترک هم انجام داد.

تنها زن فیلمساز حاضر در جشنواره چهاردهم، زهرا مهستی‌بدیمی با دومین فیلمش، طلایع سعد، بود که متأسفانه مانند فیلم اولش، حسنگ، حضوری ناامید کننده داشت. [نفر هشتم آن آمار تهمینه اردکانی بود که چند سال پیش در یک سانحه هوایی درگذشت].

طلایع سعد، به‌عنوان تنها کار زنان فیلمساز کشور در این دوره، چندان خوش یمن نبود. بهتر است که آن را نادیده بگیریم و فراموش کنیم. اما در میان فیلم‌های مردان، در این جشنواره مردانه، زنان حضوری کم‌ویش قابل توجه داشتند؛ حتی در سینمای جنگ که معمولاً عرصه مردان بوده است. از این لحاظ، جشنواره چهاردهم جشنواره‌ای قابل

بررسی و پرمایه بود. همچنان‌که در یک نگاه به مجموعه آثار، با کنار گذاشتن فیلم‌های نازل و مبتذل که همیشه و در تولیدات سالانه سینمای هر کشوری وجود دارد، سینمای ایران در دوره چهاردهم یکی از پربارترین، عجیب‌ترین و متنوع‌ترین مقاطع خود را پشت‌سر گذاشت و به‌رغم پیش‌بینی‌ها و پیش‌داوری‌های اولیه موجب امیدواری شد.

در این گزارش که کار گروهی چند تن از همکاران است، به چند فیلم بحث‌انگیز این مجموعه از منظر بررسی دیدگاه فیلم‌ها و فیلمسازان درباره مسائل زنان پرداخته‌ایم. ❁

## الهام خاکسار

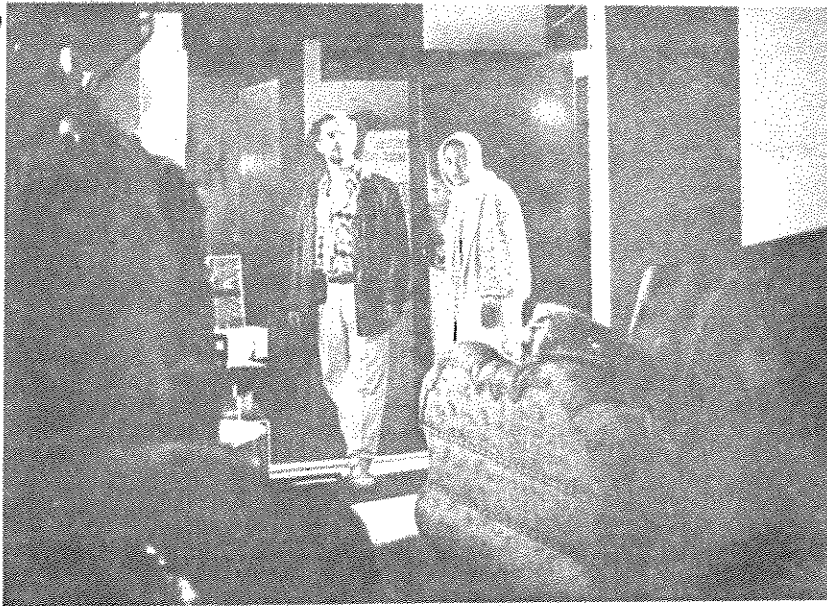
### بازمانده

کارگردان: سیفالله داد

در اولین روزهای اشغال فلسطین، دکتر سمید و همسرش، لطیفه، کشته می‌شوند. منزل آنها و نوزند خردسالشان به زن و شوهری یهودی واگذار می‌شود. ماه‌ها بزرگ کودک خود را پرستار بی‌جه معرفی می‌کند و به منزل آنها راه می‌یابد. طرح بودن کودک ناتمام می‌ماند اما مسئولیت متعجب کردن قطار نظامیان اسرائیلی به او - که به همراه خانواده یهودی از مسافران این قطارند - واگذار می‌شود. قبل از انفجار زن و کودک از قطار می‌گریزند.

بازمانده حکایت دیگری را از سرزمین پرنج فلسطین بازگو می‌کند و در این حکایت - که دقت و





وسواس وانری در تطابق تاریخی فضاها با حیفا سال ۱۹۴۸ شده است - خوشبختانه فراموش نمی‌شود که زنان فلسطینی در مبارزات و رشادت‌های دلیرانه این سوزمین نقش بی‌رونگی داشته‌اند.

سیف‌الله داد، در این فیلم، به مبارزه به عنوان یک فعالیت مردانه نگاه نکرده است. زنان فلسطینی به عنوان چریک نقش‌های کلیدی را ایفا می‌کردند و در روی دیگر سکه، زنان اسرائیلی به عنوان سربازان این رژیم حضور داشتند. به عبارتی، مبارزه مسلحانه از سوی زنان در هر دو جبهه صورت می‌گرفت. خصوصاً زنان فلسطینی - که در ساخته‌های مشابه فقط نقش دعا و نفرین کردن و احیاناً چریکی را پناه دادن داشتند - از مهره‌های اصلی این بازی بودند؛ تا جایی که مهم‌ترین مسئولیت چریکی - انفجار قطار - به یکی از آنان واگذار می‌شود.

یکی از ویژگی‌های قابل ذکر فیلم بازمانده نمایش متفاوت پوشش زنان - متفاوت با ضوابط نمایشی متداول - بود. در جلسه پرسش و پاسخ مطبوعات با دست‌اندرکاران ساخت فیلم‌ها، از کارگردان سؤال شد که آیا فیلمبرداری در خارج از ایران و با بازیگران خارجی، یک تمهید فقهی برای گذر از مسئله حجاب مورد نظر می‌زیی بوده است؟ وی پاسخ داد: «یکی از تمهیدهای فقهی برای نمایش واقعه‌گرایانه مسائل همین است. راه‌های فقهی دیگری هم وجود دارد که باید شناسایی و تجربه شود. اصولاً دین اسلام بی‌نیسی است «مشکل‌گشا» و نه «مشکل‌آفرین» و برای کوچک‌ترین مشکلات هم راه‌حل‌های فقهی تدارک دیده است.» وی اضافه کرد: «در مورد ترویج نمایش زنان بی‌حجاب هم باید بگویم هرکسی را در نهایت در گور خود می‌گذارند؛ هم شخصی را که صرفاً برای نمایشی چهره‌های زیبا به این مسئله متوسل شود و هم مرا.»

### پنج مینو

کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا

مینو و موسی در آستانه ازدواجند. موسی یک بسیجی است که اکنون، در جریان زندگی، حل و «زمینی» شده است. مینو خواهر هم‌رزم سابق اوست که با یکدیگر در برج ققنوس دیده‌بانی می‌کردند و موسی شاهد شهادت وی بوده‌است. سفر ماه غسل این دو سبب سرور بر خاطرات گذشته و تحول موسی می‌شود. او، بنابر یک عهد قدیمی، باید دوباره بر دکل ققنوس حاضر باشد.

پنج مینو سرشار از تأکیده‌های مکرر بر زنان است. این تأکیده‌ها بعضاً به شکل تمثیل و نشانه و گاهی روراست و بی‌پرده‌اند. نشانه‌ها از همان ابتدا پدیدار می‌شوند. موسی و هم‌رزمان در گرمسارم جنگ با خود پیمان بسته‌اند که سال‌ها بعد در برج ققنوس حاضر شوند اما موسی، که تنها بازمانده از جمع آن شهیدان است، با گذر زمان جذب زندگی شده و عهد خود را از یاد برده‌است. در این میان،

رسالت باز آوردن دست‌خط رزمندگان شهید و یادآوری پیمان قدیم بر عهده زنی که همسر یک شهید است، گذاشته می‌شود. زن موسی را به خاطر سستی‌اش توبیخ می‌کند. این زن می‌تواند یک عنصر آگاهی‌دهنده، تلنگرزننده و بیدارکننده قلمداد شود. ثبات و اعتقاد وی در مقابل تزلزل و تردید موسی به یک تضاد دامن می‌زند.

در ادامه، مینو با آگاهی از این پیمان، به اصرار، موسی را به وفای به عهد ترغیب می‌کند. موسی و مینو بر دکل ققنوس حضور می‌یابند و مینو گویی که در لحظات سرنوشت‌ساز و هنگامه‌های تلخ موسی با او شریک می‌شود و صریح برادر را به چشم می‌بیند.

این لحظاتی است که مینو غالباً «همراه» موسی است تا «دنیاله» و اذنب او. همراه وی از دکل ققنوس بالا و پایین می‌رود و حضورش دایم به چشم می‌آید. با سماجت شریک تجربیات اوست و به همراهش تا بالای دکل ۳۰ تری می‌رود. نتیجه این همراهی درک و شهودی است که جز به سختی حاصل نمی‌آید.

حاتمی‌کیا می‌گوید: «من همواره اصرار داشته‌ام که نقش زن را در جنگ از حد مرزا درست کردن و لباس دوختن برای بسیج مساجد فراتر ببرم و او را شریک جنگ کنم. همیشه دلم می‌خواست همسر در جنگ همراهم بود و آنچه می‌دیدم، او هم می‌دید. حس می‌کردم دین و احساس کردن بعضی لحظه‌ها می‌تواند زن‌ها را اشباع کند و فاصله‌ای را که میان ما و همسرانمان ایجاد شده، پر کند و حالا در این فیلم سعی کرده‌ام این احساس را بازگو کنم.»

در بالای برج ققنوس، زنی برای مینو و موسی خسته و گرسنه بنادیه شیر و قرص نان می‌آورد. حضور این زن می‌تواند نمادی از برکت، محبت و سیراب شدن باشد یا بازگشتی به جوهره زن، به‌عنوان یک عامل تغذیه‌کننده. حرکت مینو از تهران تا

اصفهان - که به اهواز می‌انجامد - توأم است با حرکت او از خاسی به پختگی، از خودآگاهی به خوداحساسی و از عقل به قلب. بنیان تمام حرکت‌های مذهبی، که حرکت از شعور به احساس است، در نظر عقلیون «مکوس جلوه می‌کند. مینو بر قلعه‌ای ایستاده که «حس» حرف اول و آخر را می‌زند. او تجربه کاملی از رزمندگی بودن می‌اندوزد.

### پوی پیر آهن یوسف

کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا

به دایه غفور، راننده تاکسی فرودگاه، گفته‌اند که پسرش، یوسف، در طول جنگ حین عملیات دریایی طعمه کوسه‌ها شده و فقط پلاکی از او مانده. اما دایه غفور هنوز امید بازگشت گم‌گشته‌اش را دارد. او با دختر جوانی به نام شیرین آشنا می‌شود که هنگام آغاز بازگشت اسیران جنگی، از فرانسه به ایران آمده تا برادر اسیرش، دکتر خسرو را پیدا کند اما معلوم می‌شود خسرو، که هیچ شکی در سلامت و بازگشت او نمی‌رفت، در آخرین هفته‌های اسارت توسط عراقی‌ها به شهادت رسیده و هنگامی که دایه غفور و شیرین برای بدرقه یکی از کاروان‌های آزادگان نزدیک مرز می‌روند، در کمال ناباوری یوسف را می‌بینند که تنها یک دستش طعمه کوسه‌ها شده و طی این سال‌ها اسیر بوده است.

حاتمی‌کیا در هر دو فیلم اسئالشن توجه درخوراعتنایی به مسائل زنان در حاشیه جنگ نشان داده‌است. این توجه در همان فصل آغاز فیلم رخ می‌نماید. به نظر می‌رسد یوسف شهید شده و نامزد جوانش قرار است به عقد غیبی مردی دیگر از اقوام که ساکن خارج از کشور است، درآید. در گفت‌وگویی تلفنی دو نایزد جوان و سپس گفت‌وگویی دختر با دایه غفور در فرودگاه، تردید و تزلزل دختر را در گام گذاشتن به این راه تازه آشکارا می‌شنویم. دختر می‌گوید که هنوز دلش پیش یوسف است اما

در حالی است که سوژه این فیلم به کثرات در فیلم فارسی‌های قبل از انقلاب دیده شده و در چند سالی اخیر هم می‌توان فیلم خواستگاری را مشابه آن در نظر گرفت. اما آنچه باعث ارزش مندی فیلم پدر می‌شود، توجه به ظرافت‌ها و باریک‌بینی در جزئیات است.

به نظر می‌رسد که در ازدواج مادر مهرالله مجموعه شرایطی که باعث می‌شود یک زن تنهای روستایی به سمت یک مرد پناه ببرد، نقش مؤثرتری داشته‌است تا مثلاً عشق - به مفهوم رمانتیک آن. زن فیلم پدر در مرحله‌ای متوقف مانده که نیازهای اولیه‌تر از عشق - مثل غم نان یا غصه‌ حرف مردم - او را به ازدواج وا می‌دارد و به همین دلیل موقعیت‌های عاشقانه تبدیل به موقعیت‌هایی مضحک می‌شود، مثل چرخ‌زدن اتومبیل عروسی در بیابان برهوت.

در این قصه بیهوشی امکان ازدواج مناسب پیدا کرده است، با ذوق مفرطی خرید عروسی می‌کند و آینه و شمعدان و خرت‌وپرت زندگی می‌خرد اما ته دلش نگران است که فرزند عصبانگزش، هنگام بازگشت به روستا، با موقعیت جدید چگونه کنار می‌آید. روی دیگر سکه فرزند است که با هزار امید و آرزو برای مادر و خواهرانش سرغات آورده و خود را برای حضور در محفل خانواده آماده کرده ولی در بازگشت خانه را خالی و متروک می‌یابد. حس می‌کند ژاندارم، همان‌طور که متخلفان را به چنگ قانون گرفتار می‌کند، مادرش را به چنگ آورده‌است و وظیفه اوست که مادر و خواهرانش را پس بگیرد.

امتیاز فیلم پدر آن است که بکته به قاضی نمی‌رود. شرایط آدم‌ها را در اتخاذ مواضع‌شان در نظر می‌گیرد و، در نهایت، اگر آدم‌های قصه به تفاهمی می‌رسند، ناشی از این است که یکدیگر را بیشتر شناخته‌اند.

● ابراهیم حاتمی‌کیا: «حس می‌کردم دیدن و احساس کردن بعضی لحظه‌ها می‌تواند زن‌ها را اشباع کند و فاصله‌ای را که میان ما و همسرانمان ایجاد شده، پر کند و حالا در این فیلم (برج مینو) سعی کرده‌ام این احساس را بازگو کنم.»

● حاتمی‌کیا در هر دو فیلم امسالش توجه در خور اعتنایی به مسائل زنان در حاشیه جنگ نشان داده است که در همان فصل آغاز فیلم رخ می‌نماید.

ریشه‌های این بدبینی تاریخی در ناهمبانی‌های ناپدری‌ها و نامادری‌هاست. با نگاهی واقع‌بینانه، در بسیاری موارد فرزندان در این بدبینی محق‌اند اما، در پاره‌ای موارد، تصور قاطع بدبینانه‌شان با واقعیت جور در نمی‌آید و در این موارد فرزندان پاسخ محبت‌های ناپدری و نامادری را با خشونت می‌دهند. فیلم پدر با نگاهی رئالیستی به همین قضیه می‌پردازد و در پرداختش رگ و بی‌پرواست. مجیدی در قصه‌گویی صریح است و آفسانه‌گویی و گزاره‌گویی نمی‌کند و حاشیه نمی‌رود. مهرالله، به محض ورود به روستا، خیلی زود ماجرای ازدواج مادرش با ژاندارم را می‌شنود و با خشونت واکنش نشان می‌دهد.

فرم بیان و شکل روایی مطلوب مجیدی در قصه‌گویی باعث دلچسب‌شدن فیلم شده است و این

گویی زیر فشار اطرافیان (جامعه) می‌خواهد زندگی‌اش را که دچار موج‌گرفتگی جنگ شده، اندکی از آسیب برهاند ولی با این کار فقط ظاهر قضایا را ترمیم می‌کند و درون همچنان فروریخته است. فیلمساز با انتخاب یکی از دو شخصیت اصلی فیلم - شیرین - می‌کوشد توجه تماشاگر را به مسائل زنان تشدید کند اما، در اینجا، شیرین یکی شخصیت عام است و نکته‌ای از خصوصیات فردی و اجتماعی در وجود او پیدا نیست. به راحتی می‌شد جای این خواهر بازگشته برای یافتن برادر گمشده را با یک برادر عوض کرد و داستان نیز هیچ تغییری نکند. شاید فقط بشران برای تنها بودن شیرین در جهت یاد شده وجه تمثیلی قابل‌شد؛ که این هم البته از نظر منطقی داستانی کمتر باورپذیر است که دختری با آن خصوصیات و با آن خانه و زندگی که خبر از وسعت یک خانوار و خاندان می‌دهد، هیچ‌کس و کاری در این شهر نداشته باشد. اما با فراموش کردن این بی‌منطقی چنین وضعیتی را می‌توان نشانه‌ای از تنهایی و بی‌پناهی زن تلقی کرد.

پدر

کارگردان: مجید مجیدی

مهرالله، جوان روستایی، وقتی از شهر به روستا بازمی‌گردد، متوجه ازدواج مادرش با ژاندارم منطقه می‌شود. مهرالله با این ازدواج مخالف است و طی ماجراهایی اسلحه ژاندارم را می‌یابد و به شهر فرار می‌کند. ژاندارم او را می‌یابد و در مسیر بازگشت به سختی‌هایی برمی‌خورند که سبب رفاقت آنها می‌شود.

یکی از مشکلات ازدواج زنان و مردانی که فرزندی دارند، زشت و قبیح پنداشتن این مسئله از سوی فرزندان آنهاست، متقاعد کردن فرزندان بزرگتر یکی از دشواری‌های این نوع وصل‌هاست.



● مادر مهرالله، در «پدر»، بیشتر به دلیل نیازهای اولیه‌تر از عشق - غم نان یا حرف مردم - ازدواج می‌کند. به همین دلیل موقعیت‌های عاشقانه مضحک می‌شود، مثل چرخ‌زدن اتومبیل عروسی در بیابان برهوت.

## توطئه

کارگردان: علی قوی‌تن

موضوع پایان‌نامه دختری که دانشجوی سینماست، بررسی یک شخصیت عرفانی است. اما او، طی حوادثی، موضوع تحقیق خود را به قاچاق دارو تغییر می‌دهد و طی درگیری‌هایی موفق به کشف و معرفی یک باند قاچاق دارو می‌شود.

شکل فیلم‌هایی از نوع توطئه در آن است که بدون شناخت کافی از زنان شخصیت محوری فیلم را یک زن قرار می‌دهند. انگیزه چنین انتخابی، بدون تردید، طرح «مسئله زنان و دغدغه پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های آنان نیست.

در توطئه با زنی مواجهیم که به لحاظ پیش‌برد خطی روایی فیلم باید چند خصلت را توأماً دارا باشد: اول هنرمند خوبی باشد و روح لطیفی داشته باشد؛ دوم برای نامزدش جفت مطیع و سازگاری باشد؛ سوم فرزند خوبی برای پدر و مادر فانتیکش

## ضیافت

کارگردان: مسعود کیمیایی

چند پسر جوان همکلاسی که دبیرستان را تمام کرده‌اند، در آخرین روزی که یگدیگر را در دبیرستان بدر - محل تحصیلشان - می‌بینند، با هم قرار می‌گذارند تا سال‌ها بعد، در روزی مشخص و در مکانی مشخص، حاضر شوند. زمان می‌گذرد و جوانان محصل در شرایطی که تغییر کرده‌اند و هر کدام درگیر شغل و مسئولیت و زندگی شده‌اند، بر سر قرار می‌آیند. تنها غایب از آن جمع قدیمی، وکیلی است که به دلیل درگیر شدن در یک ماجرای «آفایبی» بر سر قرار حاضر نیست. سرانجام، با کمک یکی دیگر از افراد همان جمع دوستانه، وکیلی جوان از مخصصه‌هایی می‌یابد. ضیافت هم، مانند سایر فیلم‌های کیمیایی، فیلمی مردانه است و زنان همچنان در حاشیه قرار دارند. می‌توان بار دیگر همان حرف‌های همیشگی را در باب دیدگاه

کردند به هو کردن آفایبی که با ابراز احساساتشان این موضوع را تأیید کرده‌بودند البته بعد معلوم می‌شود که همین آفایبی که زنان را باعث دردسر می‌داند، سال‌هاست عاشق خواهر دوستش است و به انتظار او مجرد مانده‌است که در همان محل، مراسم خواستگاری و بله‌پرون - با وساطت دوستان دیگر - بدون حضور عروس خانم برگزار می‌شود و طبعاً - براساس همان دیدگاهی که می‌شناسیم - این حضور ضرورتی هم ندارد؛ آفایبان می‌توانند هر تصمیمی را که مایلند، بگیرند.

## غزال

کارگردان: مجتبی راعی

معصومه زنی نویسنده است. او قصد دارد داستان زندگی مادرش را با تحلیل و نگاه و دیدگاه خود روایت کند اما در زندگی شخصی دچار مشکلاتی می‌شود و گسترش مشکلات باعث می‌شود او در نگارش قصه دچار تناقض شود. در پایان، داستان با پایانی غیرمنتظره به اتمام می‌رسد و ناشر از چاپ آن خودداری می‌کند. اگر گرایش فیلسازان سینمای ایران را به مسائل زنان، یکی از نقاط بارز و برجسته جشنواره چهاردهم بدانیم، غزال در میان این فیلم‌ها اگر برجسته‌ترین و شگفت‌انگیزترین‌شان نباشد، دست‌کم یک استثناست؛ چرا که عکس دو فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا - برج مینو و بوی پیراهن یوسف - که به‌طور غیرمستقیم به حضور زن و نقش او پرداخته‌اند، مثل نجات یاشگان رسول ملاقلی‌پور که اصلاً درباره زن و نقش اصلی و غیرقابل انکار او در زندگی و جنگ است، نگاهی مشخص، مستقیم و بلاواسطه به حقوق زنان در جامعه دارد و جالب اینجاست (و شگفتی هم از همین‌رو) که این نگاه جانبدارانه و مشخص نه از سوی یک زن فیلساز بلکه از سوی یکی از کارگردانانی است که پیش از این او را در صیف اول فیلسازانی می‌دیدیم که غالباً در حیطه سینمای دفاع مقدس فعالیت داشتند.

غزال با قصه اندکی پیچیده و از خلال رجعت به گذشته و با انتخاب قالبی آزاد از واقعیت و پندار به ستمی که در طی تاریخ شصت ساله اخیر ایران به زن و حقوق او روا شده، می‌پردازد. انتخاب مجتبی راعی نگاه مشخص او و پیامش را آشکار می‌کند. سطح روایی قصه روایت زنی با پس‌زمینه‌ای از خانواده‌ای سنتی است که اکنون به قشر روشنفکر مرفه جامعه تعلق دارد، با شوهری روشنفکر و اهلی قلم که نویسنده و مترجم است. زن، اما، در پی

نگارش رمانی است براساس دوران جوانی مادرش که در خانواده‌ای سنتی می‌زیسته که طبق سنت و عرف جامعه زندگی می‌کرده است. راعی از طریق تداخل این دو قصه و مصور کردن «سانی که زن در حال نگارش آن است، به جریان وقفه خیال و تخیل او در لابه‌لای مسیر زندگی عادی او راه می‌دهد و همین باعث می‌شود دوران سختی که مادر در طی روزهای کشف خجواب و پیامدهای آن داشته، با



## ● مردان تماشاگر «ضیافت»، در بالکن سینما آفریقا، با شنیدن جمله «زن‌ها همیشه باعث دردسر هستند، شروع به دست زدن کردند و زنان تماشاگر، در سالن پایین، به هو کردن آفایبی که این موضوع را تأیید کردند، پرداختند.

کیمیایی نسبت به زنان تکرار کرد اما، به جای این حرف‌های تکراری، ترجیح می‌دهیم حادثه‌ای عبرت‌آموز و استثنایی را (که شاید بتوان آن را «حادثه‌ای تاریخی» نامید) نقل کنیم. این حادثه هنگام نمایش فیلم ضیافت در سینما آفریقا روی داد: براساس برخوردی‌هایی که شب پیش‌از آن در سینما رخ داده بوده، در روز نمایش ضیافت سالن سینما را تقریباً «زنانه» کرده بودند؛ مردان در بالکن و زنان در پایین. جایی از فیلم صاحب رستوران از یکی از شخصیت‌های فیلم می‌پرسد: «هنوز ازدواج نکرده‌ای؟» و مرد جوان جوابی کم‌وبیش با این مضمون می‌دهد که با مادر مهربانش زندگی می‌کند و ترجیح می‌دهد ازدواج نکند چون «زن‌ها همیشه باعث دردسر هستند.» مردان تماشاگر در بالکن، با شنیدن این جمله شروع کردند به دست زدن و ابراز احساسات و زنان تماشاگر در سالن پایین، شروع

باشد؛ چهارم برای به مقصود رسیدن و رسوا کردن باند قاچاق دارو حتی کتک خوردن را هم تحمل کند؛ پنجم «صلح اجتماعی» باشد و در برابر آوردن خطاکاران - در اینجا همسایه آپارتمان - سعی و آفری به خرج دهد...

از اجتماع تمام این خصایص، پرتنگ‌ترین خصلتی که به چشم می‌آید، «جمع اضداد» است؛ گواهی که می‌توانست چنین نباشد و هر کدام از این خصایص تکیه‌ای از ذهنیت یک آدم چند بُعدی را عیان سازد اما در اینجا از بُعد خبری نیست، آدم‌ها بی‌عقبات و تخت. و به همین سبب وجود خصایص متقابل در مجموعه‌ای یک بعدی به تناقض می‌انجامد. و متأسفانه شخصیت زن در اینجا هم، مانند بسیاری از فیلم‌های دیگر که می‌خواهند زن فعال و امروزی را نشان دهند، تصنعی و غیرقابل باور از کار درآمده است.



## ● «غزال» با قصه اندکی پیچیده و از خلال رجعت به گذشته و با انتخاب قالبی آزاد از واقعیت و پندار به سستی که در طی تاریخ شصت ساله اخیر ایران به زن و حقوق او روا شده، می‌پردازد.

زندگی دشوار زن که تازه به رابطه همسرش با زنی دیگر پی برده، پیوند بخورد. از طریق این پیوند است که راعی سرنوشت مادر و دختر را در قبال شرایط اجتماعی، سنت و عرف جامعه و نیز فشاری که از سوی جامعه مردسالار به زن روا شده، به هم پیوسته و بی‌وقفه می‌داند و آن را نه فقط در همه تاریخ اجتماعی شصت ساله اخیر مداوم و یکسان می‌بیند بلکه از دیدگاه او این ستم، اساساً، منشأ طبقاتی و فرهنگی ندارد؛ چرا که مرد روشنفکر این سال‌های او در اصل همان گزمنه قلم به دست شصت سال پیش است که در طی این دوران تجرد، تنها رنگ و عکس‌العمل عوض کرده است. اگر نظمی آن سال‌ها با خشونت به دنبال زنان در معابر و حتی خلوت آنها می‌بود و حجاب از سرشان برمی‌داشت، مرد روشنفکر قلم به دست امروزی از زن می‌خواهد که با پذیرش روابط آزاد او با زنان دیگر، خود نیز پذیرای روابط آزاد باشد.

موضوع و مضمون غزال بسیار گستاخانه و با توجه به مضامین معمول سینمای ایران بسیار تازه و بدیع است و قالبی که راعی برای این قصه انتخاب می‌کند نیز از همین تازگی مضمون او پیروی می‌کند. فیلم روایتش را در دو وجه امروز و گذشته، نه فقط از طریق یک گفت‌وگو بین مادر و دختر بلکه در اصل از طریق نمایش و تجسم بی‌واسطه دخت که همه جا در حال پروراندن قصه و شخصیت‌های رمانش است، باز می‌گوید. دو روایت را درهم می‌تند و در انتها با معرفی شوهرش، به عنوان عامل ستم و فشار، عملاً دو قصه را یکی می‌کند. در انتها به نظر می‌رسد که ما جدا از زندگی امروزی زن و دریافت مشکل او و پی بردن به گره زندگی عاطفی او و نیز پی بردن به شخصیت همسرش، در حال تماشای رمانی هستیم که او در تمام طول فیلم در حال نوشتن آن است. و این به مدد افزودن یک پرسوناژ فرعی به فیلم افزوده شد. مردی از اقوام دور خانواده که در عین حال خود ادیب و ناضل و منتقد ادبی است و کسی است که او را به سوی این جامعیت بخشیدن تصویرش از زن ایرانی راهنمایی می‌کند. نکته جذاب و شگفتی آور دیگر قصه در همین است که به رغم نگاه انتقادی و غیر جانبدارانه مجتبی راعی از مرد روشنفکر امروزی، این پرسوناژ افزوده شده، در اصل از دیدگاه جایگاه اجتماعی، روشنفکر متجدد شده نسل قبل تر است که در روشن شدن آگاهی اجتماعی زن بر موقعیت اجتماعی اش نقش معلم و مرین را دارد.

### گبه

کارگردان: محسن مخملباف

گبه نوعی فرش دستباف کوچ‌نشینان عشایر است که ظرافت‌های مرسوم دیگر فرش‌های مرغوب ایرانی را ندارد اما، به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی منحصر به فرد، در نوع خود استثنایی است. زیرا در حال حاضر که رنگ‌آمیزی شیمیایی خانه‌ها (پشم، کرک و ایرپشم که اصلی‌ترین مواد خام فرش هستند) متداول است، رنگ خانه‌های گبه تماماً از رنگ‌های گیاهی تهیه می‌شود. دیگر این‌که گبه نقشه از پیش تعیین شده ندارد و بافندگان بر اساس حالات و حوادث مختلف، روحیات و احساسات خود را در آن منعکس می‌کنند. اکنون در بسیاری از مناطق ایران، علاوه بر زنان، مردان نیز به قالی‌بافی مشغولند اما بافت گبه «محصر به زنان عشایر است. همچنین، برخلاف بیشتر فرش‌هایی که داورهای افزایش عمودی دارند، گبه به منظور ایجاد سهولت در حمل و نقل، بر چهارچوب‌های افقی برپا و بافته می‌شود. در فیلم «دختری را می‌بینم که دلباخته مرد جوان ناپیدایی است. او همچنان که درگیر رسوم قبیله‌ای و ماجراهای طبیعی زندگی است، برای تجهیز خود نیز گبه می‌بافد.

با گذر از ماجراهایی، سرانجام، دخترک به جوان ملحق می‌شود...

همچنان‌که هر گبه را تاری و پودی است، در گبه مخملباف نیز واقعیت و تخیل همرمندانانه درهم تنیده شده‌اند و همان‌طور که تفکیک گره و چله و بود و رنگ از گبه‌های دستباف دختران عشایر میسر نیست، تجزیه و هم و خیال از ستم و واقعیت در

فیلم گبه نیز ناممکن است. دختران کوچ‌نشین فطری و سرزنده و پدوی رشد می‌کنند، به بلوغ می‌رسند، دلباخته می‌شوند، منتظر می‌مانند، جدال می‌کنند و به وصال می‌رسند، و مخملباف که همیشه رغبت گنجاندن تمام ذرات زندگی را در آثارش داشته، این‌بار، از خط مستند زندگی همین حدفاصل دلباختگی تا وصلی به محبوب را قاب می‌گیرد و، به این ترتیب، فیلم همان‌قدر سرشار از رنگ و حیات و پندگی از آب درمی‌آید که زیراندازهای بافته شده در پهنه دشت و لالهزار.

دست‌بافی عاشق به معشوق، البته، در سيطرة رسوم قبیله‌ای مردمحور کاری است کارستان. اما فیلمساز گویا به قدرت فاتحانه و همه‌گیر عشق ایمان دارد زیرا بیننده که در ابتدای فیلم عشق دختر جوان را تمریدی جسورانه می‌بنداشت، پس از آشنایی با نه‌انرازی و عمو و چگونگی ازدواجشان، به تکرار و تکثیر عشق، به عنوان اصلی‌ترین داستان ازلی - ابدی زندگی، ایمان پیدا می‌کند. این‌که گبه را گبه‌خانم، دخترک هم‌نام با گبه، می‌بافد، اشارتی است ستایش‌آمیز به زنان و ماحصل دسترنج‌شان. زیرا انعکاس عشق و سرخوشی و ناخوشی یک زن در این گبه به تصویر کشیده شده و هم‌نامی دختر با گبه نیز از همین جاست.

### ادوم گیسو

کارگردان: سیامک شایقی

منوچهر، مدیر یک کارگاه بازیگری، دختری به نام کمند دارد. یکی از مربیان کارگاه مایل به ازدواج با کمند است و در عین حال منوچهر نیز قصد ازدواج

## ● این‌که گبه را گبه‌خانم، دخترک هم‌نام با گبه می‌بافد، اشارتی است ستایش‌آمیز به زنان و ماحصل دسترنج‌شان.

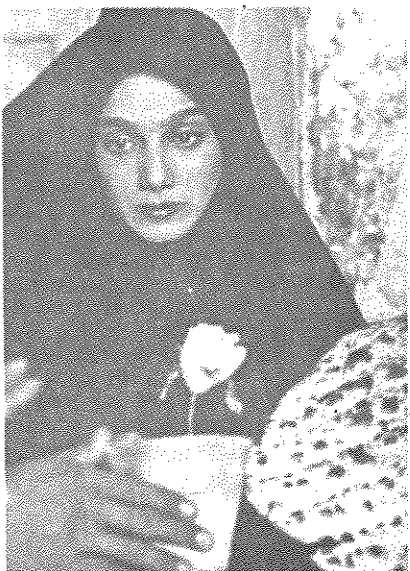


گبه: محمد احمدی



## ● زن در «نون و گلدون» از یک طرف سوژه عشق است و از سوی دیگر یک پای مبارزه.

نون و گلدون عکس: محمد اسدی



توصیه محبت به جای خشونت. از این پیش‌تر نیز مخلصلاف بارها، به‌وضوح، این دیدگاه خود را اعلام کرده‌است: «روشنفکری یک عنصرش به فکر برمی‌گردد و عنصر دیگرش روشنی است. روشن فکر کسی است که راجع به همه چیز فکارت‌وار فکر می‌کند. روشنفکری در ایران دو شاخه دارد: یکی میرزافضای کرمانی است که سلاح به‌دست می‌گیرد و ناصرالدین شاه را می‌کشد؛ بدون این‌که فکر کند به‌دش چه می‌شود و حتی هیچ طرح جایگزینی هم ندارد. این قوی‌ترین شاخه روشنفکری در ایران بوده‌است. شاخه دیگر روشنفکری امیرکبیر است و هنوز هم از خود او قوی‌تر کسی را نمی‌توان در این زمینه سراغ گرفت. او کسی است که دارالفنون راه می‌اندازد، که محل اندیشیدن بوده‌است. شاخه اول هیچ تحولی ایجاد نکرده‌است. این‌که هرکس دو تا کتاب خواند و دست به اسلحه برد، خودش را روشنفکر می‌داند، نوع پارتیزانی روشنفکری در جامعه ماست که الگویش میرزاوضای کرمانی است و عاقبتی هم جز تلف کردن جان بخشی از جوانان ما و اتلاف وقت ملت ندارد. آنچه ما و جامعه ما بدان نیازمندیم، اندیشه روشنی است که ما را از دل تاریکی‌های جهل برهاند. روشنفکر مولاناست.» (ماهانة فیلم، شماره ۱۸۲)

نون و گلدون اثری است که در آن مخلصلاف با همین دیدگاه صادقانه به ارزیابی خود و گذشته‌اش می‌پردازد و فیلم از این دیدگاه، البته، بسیار ارزشمند است اما ساختار به‌شدت فرم‌گرایانه، که گه‌گاه پرداخت نشده‌است و به همین دلیل آزاردهنده به نظر می‌رسد، هم‌خوانی مناسبی با این مضمون ندارد. ■

قطعه خشک را پُر آب می‌کند، فراموش نمی‌کند که یک قرص ضد عفونی کننده در آن بیندازد. آب را در لیوان پلاستیکی تاشو که در جیب دارد - و فقط یک زن می‌تواند در آن موقعیت لیوان پلاستیکی تاشو در جیب داشته باشد - می‌نوشد. از آدم کشتن می‌هراسد و به قصد شفا دادن به جیب‌ه آمده‌است نه به قصد کشتن.

ملاقاتی‌پور در این فیلم یک‌سری «طرح مسئله» می‌کند و هوشیارتر از آن است که خودش پاسخگویی قطعی آنها باشد. از همین روست که می‌توان نجات‌یافتگان را اثری عمیق دانست که با کنکاش در درون پر تشنه انسان‌های درگیر جنگ به نقد درونیات آنان می‌پردازد.

نجات‌یافتگان از معده آثار سینمای جنگ است که به یمن تسلط و نگاه نافذ تارگردان زوایایی پنهان از درون و هویت فردی انسان را با محور زن و تأثیر پراهمیت او در زندگی، در معرض دید قرار می‌دهد.

### نون و گلدون

کارگردان: محسن مخلصلاف

مخلصلاف درصده بازسازی تجربه ۱۷ سالگی‌اش (خلع سلاح و جاقو زدن به پاسبان بر می‌آید و به پاسبان نیز این امکان را می‌دهد که بازیگر نقش جوانی‌اش را انتخاب و هدایت کند. اما، در نهایت، جوانی مخلصلاف حاضر نیست به جوانی پاسبان جاقو بزند.

نون و گلدون بازسازی یک تجربه واقعی است. نمی‌از بار این تجربه بر دوش هم‌دست او - دختر خاله‌اش - بوده‌است. مخلصلاف قصد داشته با کمک وی بشریت را نجات دهد و به خودش لقب پدر بشریت و به او لقب مادر بشریت را می‌دهد. در قسمتی از فیلم مخلصلاف خطاب به بازیگر نقش جوانی‌اش می‌گوید: «اگر تو ازدواج کنی، دیگر نمی‌توانی بشریت را نجات بدی» و از جوانی‌اش می‌شود که: «دو نفری بهتر می‌شود بشریت را نجات داد». جوانی مخلصلاف برای همسر آینده‌اش وظیفه نجات بشریت و سرپرستی از سه میلیارد بچه را تدارک دیده‌است.

در ساخته‌های اخیر مخلصلاف زنان موجودات منفعلی نیستند و حتی اظهارنظر و حتی اظهار عشق و حتی مبارزه دارند. زن در نون و گلدون از یک طرف سوژه عشق است و هر کتابی را که برای خواندن از مخلصلاف می‌گیرد، با یک گل در میان اوراق پس می‌فرستد و از سوی دیگر یک پای مبارزه‌است؛ وظیفه دارد از پاسبان وقت را بپرسد و حواس پاسبان را به خود مشغول کند تا در یک فرصت مناسب ضربه جاقو فرود آید. اما می‌بینیم که حتی در لحظه دست‌بایی به فرصت مورد نظر، نه تنها هیچ ضربه و جرحی حاصل نمی‌شود که نان و گلدان، گویاترین سمبل‌های دوستی و هم‌مللی، به دختر تعارف می‌شود و این هیچ نیست به جز همان تفکر و تأکید همیشه‌حاضر در آثار اخیر مخلصلاف -

با عشقی تازه‌اش را کرده‌است. کمند نسبت به این ازدواج خوش‌بین نیست. طی حوادثی، اسناد و مدارکی مفقود می‌شود. عشقی جدید متهم به سرقت می‌شود ولی، در نهایت، بی‌گناهی‌اش به اثبات می‌رسد.

فیلم ملازم گیسو در اواسط دو پاره می‌شود. پاره اول - که قبل از ماجراهای جنگ و اسناد مفقود شده‌است - پاره منسجم‌تری است و شخصیت محوری آن، کمند، سحر خلیلیان است. قوت این شخصیت در آن است که به سادگی دل به هر جوانی نمی‌بازد و برای ازدواج کردن و سوژه عشق کسی شدن نشانه‌های محکم‌تری می‌طلبد. نکته آزاردهنده در شخصیت‌پردازی‌ها مسئله بورژوا بودن آدم‌های اصلی و فاصله زیادشان با اوضاع متوسط است و اتومبیل پراید دخترک - با تأکیدهای مکرر - آزاردهنده و بدون دلیل است.

در پاره دوم، فیلم اقت می‌کند و به انحراف کشیده می‌شود. می‌بینیم که خانم عشق مشکلات مالی و یک فرزند ناشنوا دارد. و برای فهم این موضوع یک‌ساعت و نیم از وقت فیلم صرف می‌شود. همچنین شخصیت کمند از یک دختر نه‌چندان سهل‌الوصول (که شخصیت پیچیده‌تر و جذاب‌تری است) به یک جیم‌زیبانه دخترانه نزول می‌کند.

نکته قابل بحث در این فیلم، حضور سوال‌برانگیز گروه ساخت خوش و بازی بی‌رسمی داود اسدی در نقش برمی بازیگری بود.

### نجات یافتگان

کارگردان: رسول ملاقلی‌پور

در خط مقدم جبهه آبولاسی مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و از بین همه سرزنیان آن، یک امدادگر جوان (مریم) و یک بسیجی (رضا) زنده می‌مانند. بسیجی قطع نخاعی است و نیمه فلج. آنها برای رسیدن به نیروهای خودی باید پیاده یک سفر افسه‌وار را در بیابان داغ و از بین نیروهای عراقی و میدان‌های مین انجام دهند. امدادگر به تنهایی برانگارد بسیجی را با خود می‌کشد.

در فیلم نجات‌یافتگان، مریم امدادگری است که انگیزه حضورش در جبهه یک وظیفه انسانی است؛ از جنس همان وظیفی که همه امدادگرها را در همه جنگ‌ها به حضورداشتن و کمک کردن وامی‌دارد.

اگر او نشانه‌ای از ترس یا اهمالی از مرگ از خود بروز می‌دهد، به سبب زن بودن او نیست بلکه بیشتر به کمبود انگیزه‌های محکم اعتقادی او برمی‌گردد. اما وقتی در بیابان برهوت تنها می‌ماند، وظایف انسانی، به عنوان یک عامل پیش‌برنده، کم‌کم جای خود را به یک حس معنوی متعالی می‌دهد و هرچه بیشتر می‌رود، این «حس» بیشتر تقویت می‌شود؛ تا جایی که با شجاعتی تمام مرگ را در افروزش می‌گیرد.

اما مریم، حتی در آن وضعیت بحرانی، خالی از دشواری‌ها و دقت‌نظرها و ظرافت‌های زنانه نیست، مثلاً، پس از مدت‌ها تنگی، وقتی به آب می‌رسد و





### سینه خانیلوی فریاد درون

نمایشگاه نقاشی سحر داوری  
گالری منصوره حسینی  
پنجم تا دهم اسفند ۷۴



سحر داوری نقاشی‌هایش را در گالری منصوره حسینی به نمایش گذاشته بود.

در آثار داوری آنچه در نظر اول و به شکلی بارز به چشم می‌خورد، رها بودن وی از قید بسیاری از «بایدها»ست. وی، بی‌هیچ پروایی، تمام حس عمیق و پایدار خود را روی تابلو منتقل کرده و در انتقال این حس به بیننده بسیار موفق بوده است. در میان رنگ‌های بیشتر سرد و کمتر گرم تابلوهای او، اگر خوب جست‌وجو کنی، فیگورهایی را می‌بینی که دفرمه شده‌اند، چهره‌هایی را می‌بینی که فریاد برآورده‌اند و

خورشیدهایی را که سیاهند و ماه‌هایی را که دیگر ماه نیستند. اما، این همه، در عین آشفتگی و غم‌انگیزبودنشان، در لحظاتی نشانگر امیدند چرا که در همان فضاها، اگر نیک بنگری، رنگی را می‌بینی که در مقابل این همه تیرگی ایستاده و با اطمینان خاطر می‌گوید: «تا شقایق هست، زندگی باید کرد.»  
از او می‌پرسیم:

● خانم داوری چند سال دارید؟  
○ هفده سال.  
● نقاشی را از چه زمانی شروع کردید؟  
○ من همیشه نقاشی کرده‌ام. اول سرگرمی بود، بعد طوری شد که...  
● که دیگر نتوانستید نقاشی نکنید؟  
○ بله، همین‌طور است. البته من در زمینه نقاشی تحصیلات آکادمیک ندارم، دیپلمه ادبیات هستم. به خاطر علاقه‌ای که به نقاشی داشتم، به آن پرداختم و خودم را نقاش نمی‌دانم.  
● آیا قبلاً کارهایتان را به نمایش گذاشته بودید؟

○ بله. اولین بار در سال ۸۹ میلادی، وقتی که یازده ساله بودم، در مرکز فرهنگی ویلیه سورمارن در فرانسه.

● نمایشگاه فعلی حاصل چه مدت کار است؟

○ یکسال اخیر که در ایران بوده‌ام.  
● پس قبلاً در خارج از کشور بوده‌اید؟

○ بله. تا یکسال پیش در فرانسه بودم.

● دو نوع کار متفاوت - از نظر متریال - در آثار شما به چشم می‌خورد: آثار رنگ و روغن و کارهای گرافیک که سیاه و سفید



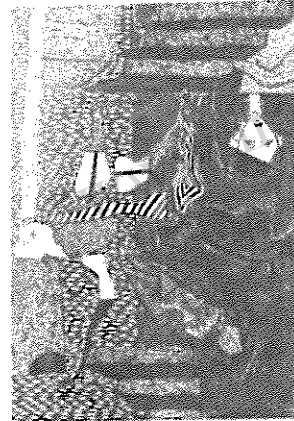
هستند. در این مورد چه می‌گویید؟  
○ کارهای سیاه و سفیدم خیلی ترند. آنها را بیشتر دوست دارم. این نوع کار را بعد از رنگ و روغن شروع کرده‌ام.

● درباره موضوع، انتخاب رنگ‌ها یا کمپوزیسیون کلی کار قبلاً فکر می‌کنید و اتود می‌زنید؟

○ نه، خیلی غریزی کار می‌کنم. تمام رنگ‌ها و همه چیز در همان زمان نقاشی کردن می‌آید روی تابلو. اگر از قبل درباره‌اش فکر کنم، کار خوبی نمی‌شود.

● کارهای شما از نظر موضوع، رنگ و فضا با یکدیگر پیوند دارند. آیا عنوان خاصی برای هر تابلو در نظر می‌گیرید یا مثلاً داستانی که بیانگر مجموع تابلوهایتان باشد؟

○ نه. البته پیوند دارند ولی نام خاصی برای آنها در نظر نگرفته‌ام. من همیشه موقع نقاشی به موسیقی گوش می‌دهم. آن را با تمام وجودم حس می‌کنم. در واقع با «موسیقی زندگی می‌کنم». گاهی اوقات فکر می‌کنم



شاید بهتر باشد تابلویی که کار کرده‌ام، هم‌نام قطعه موسیقی‌ای باشد که هم‌زمان با نقاشی کردن به آن گوش کرده‌ام.

● در آثار شما رنگ‌ها هماهنگ هستند، همین‌طور ترکیب‌بندی‌ها. آیا این هم غریزی است؟

○ بله. یعنی به‌طور غریزی این هماهنگی را به‌وجود آورده‌ام. به این شکل که درباره‌اش فکر کرده‌ام ولی فقط در همان هنگام کار.

● در تمام کارهای شما عناصری هستند که تکرار شده‌اند: ماه‌ها و خورشیدهای سیاه، فیگورهای دفرمه شده، فضاهای آشفته و غم‌انگیز و

رنگ‌هایی که خیلی راحت به کار گرفته شده‌اند.

○ همین‌طور زن، پنجره و دیوار...  
● این کارها آثار مونس را به یاد می‌آورند.

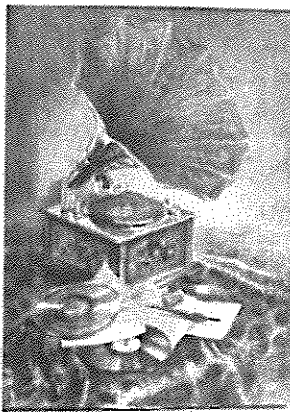
○ من کارهای مونس را خیلی دوست دارم و یکی از تابلوهایم را هم تحت تأثیر «فریاد» او به‌وجود آورده‌ام.

● چرا فیگورها و پرتوها دفرمه شده‌اند؟

○ من اکسپرسیونیستی کار می‌کنم ولی نه اکسپرسیون آکادمیک. مثلاً در فیگورها دست‌ها و پاها را جدا از یکدیگر نقاشی می‌کنم. دفرمه کردن من به این شکل است؛ آزاد و راحت. هر طوری که دلم بخواهد، کار می‌کنم و به سبک اهمیت نمی‌دهم.

### آوای دوست

نمایشگاه نقاشی هما غفارزاده  
گالری گلستان  
۱۱ تا ۱۷ اسفند ۷۴



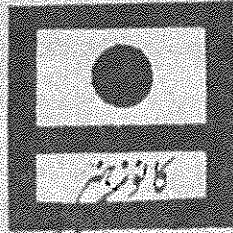
در گالری گلستان شاهد برگزاری نمایشگاهی از نقاشی‌های هما غفارزاده بودیم.

آبرنگ‌هایی لطیف و خیال‌انگیز که با خود تمام گذشته موسیقی ایرانی را به ارمغان آورده‌اند. در فضای گالری آوایی خوش‌آهنگ و افسانه‌ای را می‌شنوی که هر گوشه‌اش از سازی جداگانه به گوش می‌رسد. آوایی که تو را به گذشته‌های دور می‌برد...

● چند سال است که نقاشی می‌کنید؟

○ ده سال است. البته قبلاً هم نقاشی





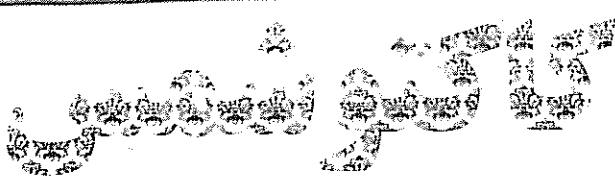
### کانون هنر گنکور هنر

آموزش دروس اختصاصی هنر، طراحی، رنگ و روغن، مجسمه سازی، گرافیک، فیلمبرداری، عکاسی و گریمر

تلفن ۸۷۹۰۲۷۳

خدمات و زیبایی پوست، جلوگیری از ریزش و تقویت مو، لک، تک و مک جوش، چروک، دانه‌های سرسیاه و بلینگ - فقط با هزار تومان

۷۴۱۳۸۲۲



### مرکز تولید و توزیع انواع کاکتوس و ساکولینت

به جای کلیه‌ی پنج‌وشش روزه. به عزیزان خود کاکتوس هدیه کنید

تهران، خیابان کارگر شمالی، ضلع جنوب‌غربی پارک لاله، غرفه گل‌شهر  
تلفن ۸۸۵۷۵۸۲

### اشاره و پوزش

در شماره ۲۷ زنان، صفحه ۱۹، سطر آخر ستون وسط، در صحبت‌های فاطمه افشین، از قول مخملباف آمده بود: «من حاضر نیستم با بیضایی حتی در یک کلوژاب ظاهر شوم.» جمله صحیح این است: «من حاضر نیستم با بعضی از فیلسازان حتی در یک لانگ‌شات ظاهر شوم.»

همه آنچه را در تابلوها می‌بینید، خودم داشته‌ام و با هماهنگی کردن آنها با یکدیگر (از نظر رنگ، موضوع و کمپوزیسیون) طبیعت بی‌جانی چیده و آن را نقاشی کرده‌ام.

● سازها را چه‌طور؟ آنها را هم داشته‌اید؟ تعدادشان خیلی زیاد است، بیست و دو نوع!

○ بعضی از آنها را داشته‌ام و بقیه را از نوازندگان گرفته‌ام. آنها خیلی از این لحاظ به من کمک کردند.

● رنگ آمیزی کلی کار و عناصری که به کار برده‌اید، با یکدیگر بسیار هماهنگ هستند. مثلاً دوتار ترکمن کنار روسری ترکمنی به چشم می‌خورد.

○ بله. مثلاً وقتی که تار را نقاشی

می‌کردم ولی در ده سال اخیر جدی‌تر و حرفه‌ای‌تر کار کرده‌ام.

● تحصیلاتان چیست؟

○ فوق‌لیسانس حقوق دارم. می‌خواستم دکترایم را بگیرم که انقلاب فرهنگی شد. همین‌که بچه‌ها تا حدی از آب‌وگل درآمدند، چون نمی‌توانستم بی‌کار بنشینم و علاقه زیادی به نقاشی داشتم، آن را دنبال کردم.

● نقاشی‌های این نمایشگاه را در چه مدت کار کرده‌اید؟

○ در شش ماه اخیر.

● برای به‌وجود آوردن هر تابلو قبلاً اتود می‌زنید یا همان موقع کار مسائل مختلفی مثل ترکیب‌بندی کلی کار و کمپوزیسیون رنگ و غیره را در نظر می‌گیرید؟

○ اکثر اوقات، همان موقع شروع نقاشی درباره همه این مسائل فکر می‌کنم، کار را می‌چینم و نقاشی می‌کنم. فقط برای یکی از تابلوهایم که فیگور دارد، چندین اسکیز (طرح مقدماتی) زده‌ام تا به این حالت فعلی، که مشاهده می‌کنید، رسیده‌ام.

● چرا سازهای مختلف را برای موضوع کار انتخاب کرده‌اید؟

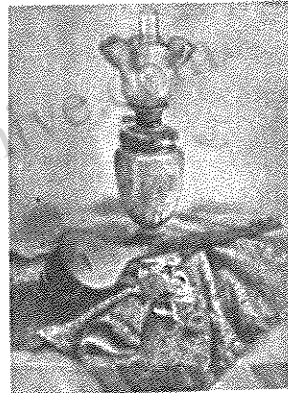
○ من هر سال موضوعی را که به آن علاقه‌مند هستم، برای نقاشی انتخاب می‌کنم. مثلاً سال قبل موضوع کلی کارهای من فضاهای قلبی و سنتی ایرانی بود و تمام خاطراتی را که از گذشته داشتم، در آن کارها نشان دادم. اصلاً هم این موضوع را، به علت علاقه زیادی که به موسیقی دارم، انتخاب کردم.

● آبرنگ را معمولاً باید سریع کار کرد. شما برای هر تابلو، در مجموع، چه‌قدر وقت صرف کرده‌اید؟

○ بله، آبرنگ را باید خیلی سریع کار کرد. یعنی اگر بیشتر از حدی که باید، طول بکشد، دیگر آبرنگ نیست. سریع کار کردن هم احتیاج به مهارت دارد. فقط طراحی کار است که باید با دقت انجام شود و وقت می‌گیرد و گزینه رنگ‌آمیزی نباید زیاد طولانی شود. این تابلوها هیچ‌کدام بیشتر از سه ساعت کار برده‌است.

● آیا تا به‌حال از عکس هم استفاده کرده‌اید؟

○ خیر. اصلاً مخالف چنین کاری هستم. بیشتر این جاها و پارچه‌ها و

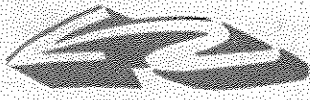


می‌کردم، چون یک حالت عرفانی دارد، کتاب مولانا را در کنارش قرار دادم و همراه با آن رنگ سبز را که رنگی عرفانی است، برای پارچه انتخاب کردم یا در مورد ستار، چون یک حالت تفساخر را در آن حس کرده‌ام، همراه با آن جار را به تصویر کشیده‌ام که همان تفساخر در آن دیده می‌شود و پارچه‌ای داشته‌ام که با رنگ سبز جار و فضا و حال و هوای کلی کار مرتبط بوده، پس آن را هم کشیده‌ام.

● در کنار هر تابلو نوشته‌ای برای توضیح درباره هر ساز به چشم می‌خورد و بیننده با مطالعه آن می‌تواند با ساز مورد نظر در تابلو، تا حدی، آشنا شود. آیا خودتان این کار را انجام داده‌اید؟

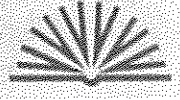
○ بله. بعضی از این سازها حتی برای خود من ناآشنا بودند. آنها را تهیه کردم و بعد تحقیقی در مورد آن انجام دادم که نتیجه آن را در اینجا می‌بینید. ■





۸۶۰۱۳۷۰  
۸۶۰۱۴۵۶

راهنمای زنان




خرید و فروش  
دوربین عکاسی

# عکاسی کامو

کلیه خدمات  
فیلمبرداری، عکسبرداری  
مجالس و صنعتی و ورزشی با  
سیستم کامپیوتری  
پاسداران، اقدسیه، بازار صدف

تلفن: ۲۲۹۱۹۳۷  
تقی پور  
۲۲۹۱۲۲۲

### گوریم با متد سینمائی

ترمیم ابرو، آرایش عروس، پاکسازی صورت و کلیه خدمات آرایشی  
با نازلترین قیمت و آموزش موارد بالا

۷۵۳۸۶۶۹

### ترمیم ابرو

با نازلترین قیمت همراه با آموزش

۷۵۳۸۳۸۰

### خانمهای عزیز


جدیدترین مدلهای رنگ، کوپ، مشهای فانتزی، فر، شینیون، مانیکور،  
پدیکور و آرایش عروس به اضافه تمام موارد آرایشی و بهداشتی شامل  
ویتامینه پوست، مو، هیدرودرمی، پاکسازی پوست و ترمیم ابرو در سالن  
آئینه با تعیین وقت قبلی

میدان ونک - خیابان ونک ۸۷۸۹۱۹۰

### مرکز تعمیر سشوار

تحويل در سراسر تهران و ایران  
تهران: خیابان سعدی - خیابان منوچهری  
چهار راه کنت، ساختمان درفشان  
(جنرال استیل سابق) طبقه همکف پلاک ۱۸-۱

۳۱۱۷۸۰۱-۳۷۸۳۷۶۷



### راهنمای زنان تلفنی آگهی می پذیرد

۸۶۰۱۳۷۰ - ۸۶۰۱۴۵۶



## مانتوسرای خاتم

میدان هفتم تیر  
جنب مسجد الجواد  
تلفن: ۸۳۳۵۸۵



۸۶۰۱۳۷۰  
۸۶۰۱۳۵۶

# راهنمای زنان



## گیاه دارویی سلامت در خدمت سلامت و زیبایی شماست

برای لیست و فرم و دفترچه راهنمای گیاه دارویی سلامت با بیش از ۲۰ سال سابقه و تجربه گیاه درمانی در ایران و خارج از کشور مبلغ ۱۵۰ تومان به آدرس ما: قم صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۱۷۳ ارسال نمایید.

معرفی قسمتی از گیاه دارویی سلامت

۱- جاقی، لاغری، کوچک نمودن شکم

۲- داروی رفع موهای زائد بانوان

۳- گرم گیاهی مورک با دهها خواص: بهترین و مؤثرترین پاسخ به لک، چروک

چهره، دور چشم و گردن، خال، جوش صورت، شفافیت و سفید کننده صورت

تلفن قم: ۶۱۱۹۵۷، ساعت تماس ۸ صبح الی ۸ بعد از ظهر

## قابل توجه خانمهای آرایشگر

جدیدترین فن گریم عروس، کوتاه کردن مو، ترمیم ابرو و آرایش دائمی و کلیه خدمات پوستی و بهداشت پوست برای خانمهای آرایشگر شهرستانی در چند جلسه هنرجو می پذیرد. زیر نظر متخصص از فرانسه

تلفن ۲۵۴۹۷۱۳

تلفن ۲۷۲۰۱۸

الی ۱۱ شب

الی ۴ بعد از ظهر

## تعلیم آرایش صورت و عروس در

۳ جلسه ۶۴۶۰۳۴۸

خدمات و زیبایی پوست، جلوگیری از ریزش و تقویت مو، لک، کک و مک جوش، چروک، دانه های سرسیاه و بلینگ - فقط با هزار تومان

۷۴۱۳۸۲۲

## خانمهای ایران

(وبویگ راشل سابق) اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران

خبری سرت بخش برای تمام کسانی که نوه های خود را از دست داده یا می دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی شود این مندها نتیجه تلاش پیگیر متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تا دو تا ده ها هزار تار مو روی سر شما نصب می گردد با این مندها گاسلا جدید و استنابین شما احساس خواهید کرد که موهایمان از زیر پوست رونیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی مان ندارد و با لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که موهایمان ریخته است با خیال راحت استحمام کرده و موهایمان را به فرم دلخواه شانه کنید. بعد از نصب مو چنانچه مورد پسندتان واقع گردید رجه آنرا بپردازید ضمنا فراموش نکنید مندهای فوق احتیاج به مراجعه بعدی ندارد. تلفن: ۸۹۸۴۳۳

تهران خیابان ولی عصر حب سبما آفریقا (آتلانیک سابق)



## ارتباط با دنیای زیبایی و پاکیزگی

### شهر بزرگ

خشکشویی و سفیدشویی

کلیه البسه

با سرویس رایگان

خشکشویی موکت، مبلمان،

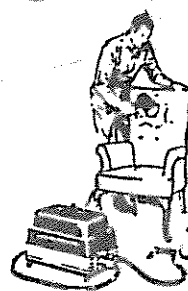
واکس، پارکت و کفپوش

شما نیز می توانید یکی از مشترکین

تلفن: ۷۵۴۲۱۰۳

شعبه ظفر: ۲۶۰۰۰۹

شرق تهران: ۷۸۰۸۱۳۷





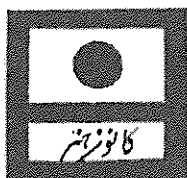
**کنکور - چهارم ویژه خرداد ماه  
پیش دانشگاهی ویژه تیر ماه**

نوع کلاس	خصوصی	نیمه خصوصی
شهریه (تومان)	۱۵۰۰-۲۰۰۰	۵۰۰-۱۰۰۰
(برای هر ساعت)	(۱ نفره)	(۵ نفره)

**عدل تلفن برای تعیین وقت مشاوره**

میدان هفت تیر، ۸۸۲۷۵۹۳

(با مدیریت استاد عدل جو مدرس ریاضیات)



کانون هنر کنکور هنر

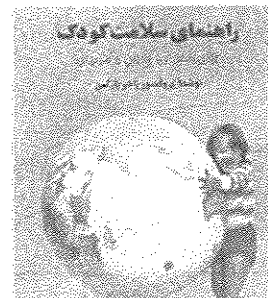
آموزش دروس اختصاصی هنر، طراحی، رنگ روغن،  
مجسمه سازی، گرافیک، فیلمبرداری، عکاسی و گریم

تلفن ۸۷۹۰۲۷۴

چقدر به سلامت کودک خود  
اهمیت می‌دهید؟

کودک سالم را می‌شناسید؟ در  
مواجهه با بیماریها و حوادثی که  
برای او روی می‌دهد چه  
می‌کنید؟

**راهنمای سلامت کودک**  
با زبانی ساده باسخگوی  
سئوالات شماست



**کافی است با تلفن ۱۹۳ تماس بگیرید و ساعتی بعد  
کتاب را در منزل یا محل کار خود بدون هزینه پستی  
تحویل بگیرید.**

فروش در فروشگاههای زنجیره‌ای رفاه، کتابفروشیهای  
معتبر، نشر راستان و نمایندگانی بین المللی کتاب تهران ۱۳۷۵

مدارس، درمانگاهها، مطبها، نمایندگانیها و مراکز فرهنگی  
و کتابفروشیها می‌توانند کتاب را با تخفیف ویژه دریافت  
کنند.

مرکز پخش: تهران - نشر راستان (تقاطع بلوار کشاورز و ۱۶  
آذر) تلفن: ۶۵۷۹۷۰۰

لطفا جهت کسب اطلاع بیشتر با آدرس - ص پ ۷۸۱-۱۶۳۱۵ و  
یا تلفن: ۸۶۶۸۴۲ تماس حاصل نمائید.

**انستیتو زیبایی شناسی**

فقط با ۶ هزار تومان به وزن و ساینز  
ایده آل خود برسید، معالجه پوست با تضمین

۸۵۲۶۹۵

- • • • •
- لباس و کلاه عروس •
- لباس عقد مجلل و استثنائی •
- سفره عقد •
- ۸۷۷۴۹۰۵ •
- ۲۳۶۴۲۰ •
- • • • •

ناخنهای زیبا با تکنیک جدید

۷۸۷۱۸۳۰

۲۵۴۲۸۷۸

**در کلاس ایراندخت**

آشپزی ایرانی، فرنگی، چینی، شیرینیهای خشک و تر  
تزئین کیک و شکلات سازی و نانهای فانتزی را  
بیاموزید

تلفن: ۲۲۲۷۴۴۹-۲۲۷۹۴۶۰

مؤسسه لاغری زیبا

۱۰ کیلو در ۱۰ جلسه تضمینی لاغر شوید

۳ و ۴۴۳۰۴۵۳



# ✓ محصولات پاکرخ

## در خدمت بهداشت جامعه



شرکت پاکرخ

تهران - خیابان سه‌رودی شمالی، خیابان هوپزه شرقی، شماره ۴۲، طبقه دوم

تلفن: ۸۶۶۸۲۷ - ۸۶۶۸۲۴ - ۲ - ۸۶۶۸۲۴ فاکس: ۸۶۶۷۸۰



# اجاقهای مایکروویو ناسیونال

سریعترین و آسان ترین روش پخت - دیفراست و گرم کردن مجدد غذا



**NN-9853**



روش پخت با امواج مایکروویو



روش کیک پزی



روش کباب کردن



روش پخت ترکیبی

قابلیت های مایکروویو ناسیونال:

- ۱- نفوذ امواج مایکروویو به داخل غذا باعث ایجاد حرارت زیادی می شود که با آن می توان غذاهای منجمد را سریعاً گرم کرد و یا پخت.
- ۲- گردش حرارت در داخل محفظه مایکروویو بطور یکنواخت، مناسب ترین روش برای طبخ کیک و برشته کردن می باشد.
- ۳- نفوذ حرارت با فشار به داخل مواد غذایی (گوشت) موجب کباب شدن سریع می گردد (گریل).
- ۴- ترکیب حرارت حاصل از امواج مایکروویو و المنت برقی باعث مغز پخت شدن انواع گوشت و برشته شدن آنها میشود.

**National**

تلفن مرکز سرویس شرکت تجارتي کوفرد: ۲۹ - ۷۵۲۸۰۲۰